

درسنامه درس پنجم

قالب قطعه

شعری با حداقل دو بیت که مصراع های زوج بیت ها با هم قافیه ای یکسان دارند. موضوع قطعه بیشتر نصیحت / پند / اندرز / مدح / مطالب اخلاقی و اجتماعی است ، حداقل ابیات قطعه دوبیت است اما حداکثر آن به ۱۸ بیت هم می رسد.

قطعه : به معنی یک پاره از هرچیزی است و چون گویا پاره ای از ابیات وسط یک قصیده است ، قطعه می گویند معروف ترین قطعه سُرّایان عبارتند از: پروین اعتصامی ، سعدی شیرازی ، انوری ، ابن یمن ، ناصر خسرو و ... می باشند .

* طرح گرافیکی قطعه :

○	_____	_____
○	_____	_____
○	_____	_____

آرایه ی مناظره

مناظره در اصطلاح ادبی شعر ، یا نثری است که در آن دو چیز یا دو کس بر سر موضوعی بحث و گفت و گو می کنند تا سر انجام یکی بر دیگری پیروز شود .

❗ **نکته اول :** معمولا هدف شاعر در مناظره رسیدن به یک نتیجه ی اخلاقی است .

❗ **نکته دوم :** در مناظره نویسی از روش دیالوگ نویسی استفاده می شود .

❗ **نکته سوم :** در مناظره معمولا از فعل گفت برای نقل قول استفاده می شود .

واژه آموزی

بُن : به معنی ریشه و اصل هر چیزی می باشد پایه و اساس ، ریشه و بنیاد .

❗ **نکته اول :** در ترکیب با (نام میوه) معنی درخت می دهد .

گاهی اوقات بُن معنی ته و پائین نیز می دهد .

مثال : بُن دیوار ← پائین دیوار * خار بُن ← پشته خار * آلو بُن درخت آلو

نکته دوم: ترکیب اسم + پسوند بن ، کلمات مرکبی می سازد که معنی مستقل دارند .

مثال : چنار + بُن ← چنار بُن

انواع حرف

(۱) حرف را (نشانه مفعولی) : در بعضی از جمله ها وقتی می خواهیم مفعول را پیدا کنیم حرف را نشانه مفعول است .

مثال : زهرا کتاب را خواند ← چه چیز را خواند ؟ کتاب را

(۲) حرف را (حرف اضافه) : اگر حرف « را » در جمله یا شعری به معنی به باشد حرف اضافه است .

نکته : در نوشته های کهن و در نوشته های امروزی گاهی را در جایگاه حرف اضافه به کار می رود .

مثال : از : سقراط را پرسیدند کدام درنده نیکوتر است ؟ ← سقراط پرسیدند .

به : حاتم طایی را گفتند : از خود بزرگ همت تر در جهان دیده ای یا شنیده ای ؟ ← حاتم طایی گفتند .

برای : درویشی را ضرورتی پیش آمد ← برای درویشی ضرورتی پیش آمد .



بیشتر بدانیم

ضمیر : کلمه ای است که به جای اسم می آید و از تکرار اسم جلوگیری می کند .

انواع ضمیر :

(۱) ضمیر شخصی

به ضمیری گفته می شود که بر اشخاص دلالت دارد ، این ضمیر برای گوینده (اول شخص) ، شنونده (دوم شخص) و غایب (سوم شخص) استفاده می شود .

ضمیرهای شخصی خود به دو دسته تقسیم می شوند :

الف) ضمائر شخصی جدا (مُفصل) : ضمیرهایی که به واژه های قبل از خود نمی چسبند که این ضمائر

عبارتند از : من ، تو ، او ، ما ، شما ، ایشان .

مثال : ما قبلا درس را برای شما توضیح داده ایم ← ما و شما ضمائر شخصی جدا .

نکته اول : اگر بعد از ضمیر (من / تو) حرف را قرار بگیرد در زمان نوشتن (ن) از ضمیر (من) و (او)

از ضمیر تو) حذف شده و را به کلمه چسبیده و می شود مرا / تُرا .

ب) ضمائر شخصی پیوسته (متصل) : به ضمیری که به پایان واژه ها می چسبند و مالکیت را مشخص می کند .

ضمائر پیوسته عبارتند از : مَ / تَ / شَ / مان / تان / شان .

مثال : ای که دستت می رسد کاری بکن ← دستت در دستت .

نکته دوم: ضمیر پیوسته ی (ـم) را با شناسه ی (ـم) در فعل اشتباه نگیرید چون ضمیر پیوسته به اسم می چسبند.

نکته سوم: ضمیرهای شخصی جدا و پیوسته برای انسان به کار می رود و برای غیر انسان در حالت مفرد از آن و این و در حالت جمع از آنها و اینها استفاده می شود.

نکته چهارم: چون ضمیر جانشین اسم می شود پس می تواند خیلی از نقش های دستوری اسم مانند مفعول ، فاعل ، مضاف الیه ، مسند الیه ، مسند و ... را در جمله قبول کند .
مثال برای انسان : معلم نگارش ستاره را صدا زد و از او خواست نوشته اش را بخواند .
مثال برای غیر انسان : این دوچرخه را دوست دارم .

نکته پنجم: ضمیر به جای فعل و صفت قرار نمی گیرد .

نکته ششم: مرجع ضمیر اسمی است که در متن یا جمله تمام ضمیرها به این اسم برمی گردد
مثال : زهرا به کتابخانه رفت ، او کتاب گرفت — زهرا مرجع ضمیر ، او ضمیر جدا .

۲) ضمیر مشترک

خود ، خویشتن ، خویش

مثال : من خود به چشم خویشتن ، دیدم که جانم می رود — خویشتن ضمیر مشترک .

نکته اول: اگر بخواهیم بر چیزی تاکید بیشتر کنیم ، می توانیم به ضمیر مشترک خود ، ضمیر پیوسته را نیز بیفزاییم .
خودم / خودت / خودش / خودمان / خودتان / خودشان .

نکته دوم: ضمیر مشترک می تواند به خودش مضاف الیه هم بگیرد .

مثال : خودتان ، موضوع را مطرح کنید — خودتان خود (مضاف) ، شما (مضاف الیه) .

نکته هشتم : اگر خویش به معنای اقوام و فامیل باشد ضمیر نیست و اسم است .

مثال : برزگر ، پسر را نزد قوم و خویش خود فرستاد — خویش به معنای اقوام و فامیل است و اسم محسوب می شود .

۳) ضمیر اشاره

اگر دو واژه (این ، آن) جانشین یک اسم شوند به آنها ضمیر اشاره می گویند .

نکته اول: این و همین برای اشاره به نزدیک و آن و همان برای اشاره به دور به کار می روند
مثال : این دفتر را خریدم — این ضمیر اشاره به نزدیک است .